

نخستین کارخانه‌های ایرانی در روزگار قاجار چرا ناکام شدند

سیاست‌های نادرست اقتصادی حکومت و روحیه سئودجویانه پاره‌ای حاکمان قاجار، جلوی رشد صنایع را در کشور گرفت. بیش تر کالاهای وارداتی از اروپا ظاهری زیبا داشتند و مردم رغبتی بیش تر به خرید آن‌ها نشان می‌دادند؛ این روند کسادی بازار کالاهای تولید داخل را در پی داشت. زین‌العابدین مراغه‌ای در برباره‌وری آری ایرانیان به اجناس غیر ایرانی نوشته است «روزی که ما با فرنگیان مراده تجاری نداشتیم، چه می‌کردیم، چرا در آن مراده ایشان بر ما غلبه کردند و ما را محتاج به خودشان نمودند، معلوم است که سبب جهالت ماست که از کوتاهی نظر بدان چه خود داشتیم قناعت نکردیم و به نقش‌ونگار دروغین و ناپایدار امتعه خارجی فریفته شدیم و در ازای این غفلت به درد احتیاج امروزه گرفتار شدیم». کشورهای بزرگ همچون روسیه و انگلستان نیز برای تضعیف تاجران ایرانی و در دست گرفتن بازار ایران به هر کاری دست می‌زدند. محمدعلی جمال‌زاده بی‌تربگی تاجران و دخالت استعمارگران را علت اصلی شکست صنایع و کارخانه‌های نوپای ایران دانسته، در این باره می‌نویسد «از نیم قرن به این طرف به دفعات کارخانجات مختلفه در ایران ایجاد گردیده چه به دست خود ایرانیان و چه به دست خارجیان، ولی اغلب به ملاحظه بی‌تجربگی و بی‌ثباتی و مخصوصاً رقابت و اشکال تراشی دو همسایه نامیمون (روس و انگلیس) نتیجه مطلوب به دست نیامده است». روزنامه اختر نیز به سال ۱۳۰۴ قمری به این مسأله پرداخته است «حاجی محمدحسن تاجر اصفهانی امین دارالضرب، در باب ساختن لنگرگاه در قریه محمودآباد که در ساحل دریای خزر واقع است، از دولت علیه ایران امتیاز گرفته و برای خرید آلات و لنگرگاه به بلژیک رفته و آن‌چه را لازم داشته خریده و آورده، ولی مامورین روس به مناسبت ممنوعیت ترانزیت مانع از مرور آلات مذکور به خاک ایران شده است». پشتیبانی دولت‌های ضعیف‌تر چون روسیه و انگلستان از اتباع سرمایه‌دارشان در سراسر گیتی، هماهنگی میان نظام‌های سیاسی و اقتصادی را در آن جامعه‌ها بیانگر بود، در برابر، سلطنت قاجار به دلیل بافت سنتی و زباید و فقدان گسترش تسهیلات استمراری سرمایه‌گذاری و پشتیبانی از سرمایه‌های داخلی را نداشت. چارلز عبوسو در کتاب «تاریخ اقتصادی ایران (عصر قاجار ۱۲۱۵ق-۱۳۳۲ق) علت‌های شکست صنایع ایران را اینگونه بیان می‌دارد «کشور ایران به دلیل فواصل طولانی، رودخانه‌های غیر قابل کشتی‌رانی، نوار ساحلی کم‌عرض، و دور بودن مراکز مسکونی و تولیدی‌اش نیازمند حمل‌ونقل مدرن می‌باشد. در ایران جاده و وسایل حمل‌ونقل وجود ندارد و ذخایر فلزی در زیرزمین‌ها مدفون‌اند و تمام آهن مورد احتیاج با نرخ‌های گزاف از خارج وارد می‌شود و با توجه به کمبود سرمایه، نرخ زیرگیری تجهیزات و ماشین‌آلات خریدشده از اروپا نداشتند، برای نمونه، به گزارش وزارت مالیه، تجهیزات کارخانه چراغ برق که در سفر مظفرالدین شاه به فرنگ خریده و به ایران رسیده بود، مدت‌ها بدون استفاده در انبار شاه‌ها شده تا این که پس از مدتی اجزای این دستگاه به قطعه‌هایی اوراقی و بی‌مصرف بدل شده بود، در حالی که بر اساس گزارش سندی در سازمان اسناد و کتابخانه ملی، آن کارخانه کوچک می‌توانست چهارصد یا پانصد چراغ را روشن کند. کمبود نیروی متخصص و کارآمد انسانی نیز در این میانه نقشی چشم‌گیر در هدر رفتن فعالیت‌های ترقی‌خواهانه آن روزگار داشت، زیرا با وجود تلاش‌های بسیار در دست‌یابی به آموزش‌های نوین، جامعه همچنان در مدرن‌سازی صنعت و اقتصاد و تجهیز آن، به متخصصان کارخانه‌های صنعتی آموزش نیازمند بود.

شکست کوشش‌های صنعتی قاجارها و پر آمدن یک نیروی جدید

کمبود نیروی متخصص برای کارخانه‌ها و مرکزهای صنعتی، از مسایلی جدی ایران در دوره قاجار به شمار می‌آمد. آن‌گونه که آوادرد پولاک، پژوهشگر آذربایجانی دربار ناصرالدین شاه در کتاب «سفرنامه پولاک: ایران و ایرانیان» روایت کرده است، کمبود مهارت کارگران در کارخانه بود گچی تهران، خرابی برس‌ها و موجب شده بود به گونه‌ای که چند کیلو شمع نامرغوب پس از صرف هزینه‌ها هنگفت در آنجا تولید شد و سپس کارخانه‌ها را ناامیدی به تعطیلی رساند. بسیاری از کارخانه‌های نوین در دوره قاجار با مسأله نبود نیروی فنی و توانمند ایرانی روبه‌رو بودند؛ می‌توان انگازشت قشقرهای روشنفکر شهری چگونه پس از پیروزی انقلاب مشروطه در نابود آتش مدرن و اشغال کشور در جنگ یکم جهانی، رفته‌رفته به یک نیروی جدید همچون رضا خان متمایل شد و او با این پشتوانه تومار دودمان قاجار را در سال ۱۳۰۴ خورشیدی توانست برچیند. رضا شاه بدون بدین ترتیب مدرنیزاسیون در بخش‌های فرهنگی و صنعتی را هدف و شعار خویش گذارد. دولت پهلوی اول بدین ترتیب در کنار تقویت شبکه راه‌ها که ایجاد شبکه راه‌آهن سراسری از نمادهای برجسته راه‌سازی به شمار می‌آمد و برپایی امنیت، کارخانه‌هایی بسیار در زمینه‌های نساجی، قندوشکر و کبریت‌سازی در سراسر ایران راه انداخت. بنیان‌گذاری دانشگاه و دادن بورس‌های آموزشی به دانشجویان ایرانی برای تحصیل در دانشگاه‌های بزرگ اروپایی در این دوره بی‌شک با هدف شتاب‌بخشی به آموزش نیروی کارآمد انسانی در فرآیند نوپایی انجام گرفت.

«اشاره به سروده پر آواز مولونا «آنچه شیران را کند روبه‌مراج احتیاج است احتیاج است احتیاج»



خط تولید خودروی سویتز در ایران در دهه ۱۳۵۰ - عکس: یورگن بلیتر

نخستین کارخانه‌های مدرن در تاریخ معاصر ایران چگونه برآمدند، چرا فرافتادند

داستان شیری که روبه‌مراج شد*

عامل‌های تاریخی شکست نخستین کوشش‌های مدرن صنعتی در ایران؛ ناامنی، نبود نیروی کارآمد

دخالت‌های دولت‌های نیرومند اروپایی و سوءمدیریت

همراه آورد. این تمدن به پیشرفت‌های گسترده در زمینه‌های گوناگون علمی در اروپای سده هجدهم وابسته بود. کشف واکسن آبله به دست آوادرد جنر، کشفیات ژوزف لاگرانژ در زمینه‌های ریاضی و نجوم، همچنین آزمایش‌های جیمز وات در تکمیل ماشین بخار و کوشش‌های لوازیه در دانش شیمی، تأثیری ژرف در شکل‌گیری انقلاب صنعتی اروپا و پیدایش صنایع و کارخانه‌های جدید داشت. این دستاوردها، به کارانداختن نیروی بخار، توسعه صنایع پارچه‌بافی، بنیان‌گذاری کارخانجات ذوب آهن، استخراج زغال سنگ و تکمیل و گسترش وسایل نقلیه

در راه آورد؛ همه این‌ها سرانجام به پیدایش صنایع جدید و پیشرفت صنعتی اروپا انجامید. تلاش‌های علمی، دستاوردهایی چون استخراج فلزات، تولید فولاد و دیگر آلیاژها را افزایش داد. در توسعه شبکه راه‌آهن، ارتباط میان کشورها و در تکمیل ماشین بخار و کوشش‌های لوازیه در دانش شیمی، تأثیری ژرف در شکل‌گیری انقلاب صنعتی اروپا و پیدایش صنایع و کارخانه‌های جدید داشت. این دستاوردها، به کارانداختن نیروی بخار، توسعه صنایع پارچه‌بافی، بنیان‌گذاری کارخانجات ذوب آهن، استخراج زغال سنگ و تکمیل و گسترش وسایل نقلیه

در راه آورد؛ همه این‌ها سرانجام به پیدایش صنایع جدید و پیشرفت صنعتی اروپا انجامید. تلاش‌های علمی، دستاوردهایی چون استخراج فلزات، تولید فولاد و دیگر آلیاژها را افزایش داد. در توسعه شبکه راه‌آهن، ارتباط میان کشورها و در تکمیل ماشین بخار و کوشش‌های لوازیه در دانش شیمی، تأثیری ژرف در شکل‌گیری انقلاب صنعتی اروپا و پیدایش صنایع و کارخانه‌های جدید داشت. این دستاوردها، به کارانداختن نیروی بخار، توسعه صنایع پارچه‌بافی، بنیان‌گذاری کارخانجات ذوب آهن، استخراج زغال سنگ و تکمیل و گسترش وسایل نقلیه

دکتر سولماز قلی زاده مهدی خان محله- تاریخ پژوه و مدرس دانشگاه- جامعه ایران در دوره قاجار در مسیر یک تعامل و پیوند گسترده تاریخی با دیگر کشورها به ویژه جامعه‌های اروپایی جای گرفت. آقا محمد خان، بنیان‌گذار سلطنت قاجار، کشور را در حالت جنگی برای برادرزاده‌اش فتحعلی شاه به ارث گذاشت.

ایرانیان در روزگار وی در اوایل سده نوزدهم میلادی در دو رویارویی نظامی از روسیه تزاری شکست خوردند. واگذاری سرزمین‌های ایرانی در قفقاز و آسیای مرکزی به همسایه بیروز جنگ به عنوان غنیمت جنگی، احساس سرخوردگی به شکل گرفتند. کارگاه‌هایی در دارالفنون افزون بر تدریس دانش‌های جدید می‌کردند؛ کارخانه بلورسازی و کاغذسازی از آن‌دست بود که هر چند محصولاتشان اندک بود اما کیفیت آن‌ها مناسب بود و حتی برای فروش آن‌ها در روزنامه «دولت علیه ایران» تبلیغ می‌شد. در یکی از این تبلیغات چنین آمده است «با همین کارخانه بلورسازی ایرانی که به جهت امتحان ساخته شده است بلوره‌های خوب و مرغوب به انواع و اقسام مختلفه ساخته می‌شود، به قسمی که مردم همین بلورها را خریده و به کار می‌برند. کاغذخانه نیز همه روزه مشغول ساختن کاغذهای تحریر و غیر تحریر می‌باشد، به طوری که اکثر کاغذهای عطاری تهران از کارخانه داده می‌شود و کاغذ تحریرش بسیار خوش خمیر و خوش‌قلم است که اکثر محرمین از روی میل طالب آن هستند». دانش‌آموختگان دارالفنون و دانش‌آموختگان دارالفنون و در همان کارگاه‌های کوچک مدرسه تولید و عرضه شدند، از آن پس و در همان روزگار ناصرالدین شاه کارخانجات گوناگون دولتی یا خصوصی

در راه آورد؛ همه این‌ها سرانجام به پیدایش صنایع جدید و پیشرفت صنعتی اروپا انجامید. تلاش‌های علمی، دستاوردهایی چون استخراج فلزات، تولید فولاد و دیگر آلیاژها را افزایش داد. در توسعه شبکه راه‌آهن، ارتباط میان کشورها و در تکمیل ماشین بخار و کوشش‌های لوازیه در دانش شیمی، تأثیری ژرف در شکل‌گیری انقلاب صنعتی اروپا و پیدایش صنایع و کارخانه‌های جدید داشت. این دستاوردها، به کارانداختن نیروی بخار، توسعه صنایع پارچه‌بافی، بنیان‌گذاری کارخانجات ذوب آهن، استخراج زغال سنگ و تکمیل و گسترش وسایل نقلیه

دستاوردهای انقلاب صنعتی در اروپا بود. مواد خام، بیش‌ترین محصول صادراتی ایران را در نیمه دوم سده نوزدهم میلادی دربر می‌گرفت؛ در برابر، محصولاتی مانند چیت، جلوار، ظرف‌های مسی و مهمات و انگلستان، قندوشکر، نفت، شمع، کالکس و سماور از روسیه، شیشه‌آلات، ظرف‌های چینی و جنس‌های ایریشمی از فرانسه، شیشه، بلور و پارچه‌های حریر از هندوستان، ادویه از سیلان، شال، نمک، پنبه کوهی و لاجورد از کشمیر، ابریشم و سرانجام قلع، سرب و آهن از چین وارد می‌شد. سندی در زمینه افزایش واردات و رواج کالاهای خارجی در ایران، همچنین بحران صنعت ابریشم‌بافی و نیاز این صنایع به حمایت دولت و تخفیف مالیاتی وجود دارد «از قرار تحقیقاتی که پیش کار مالیه خراسان نموده و به وزارت مالیه راپورت داده است، به واسطه رواج امتعه خارج چه چند سال است که در صنعت شرعبافی «شعر» مو از یک هزار و پانصد دستگاه نساجی پانصد دستگاه باقی‌مانده و آن هم رواجی ندارد و اگر دولت بخواهد دو هزار و پانصد تومار از این پانصد دستگاه

مالیات بگیرد، دور نیست اغلب ترک کسب را نمایند». جریان نامتوازن صادرات واردات در دوره قاجار موجب شد بخشی گسترده از ثروت ایران به جیب امپراتوری‌های بزرگ مالی جهان رفته، همچنین منابع‌های در برابر سرمایه‌گذاری در بخش صنایع و توسعه کارخانه‌های مدرن

پدید آید. فشارهای مالیاتی نیز جلوی گسترش و رونق کارخانه‌های داخلی را می‌گرفت.

داستان ملتی مشتاق که محتاج می‌شود کشورهای انگلستان و روسیه با بهره‌گیری از امتیازهایی که از حکومت قاجار گرفته بودند، کالاهایشان را در گسترده‌ای بزرگ به ایران صادر می‌کردند؛ صنایع و کارخانه‌های داخلی در این فرآیند بسیار آسیب می‌دیدند. روزنامه حبل‌المتین در این‌باره نوشته است «دولت مندمنده بزرگ‌ترین وسیله ترقی خود را تجارت قرار داده‌اند، می‌گویند بعد از اینکه تجارت ما در ملکی رایج شد، اول آن منفعت مالی عاید می‌شود، دوم آن که آن ملت را به خود محتاج می‌کنیم و به واسطه همان احتیاج رعب خود را در قلوب آنها ساری می‌داریم، سوم آن که از خود طبیعت آن ملت واقف شده در وقت ضرورت خیلی به کار می‌آید، چهارم در رسوخ تجارت خود طلا و نقره آن‌ها را جمع کرده، آن‌ها را فقیر به خود می‌کنیم». گذشته از فشار دولت‌های خارجی، همچنین بی‌ثباتی و نبود امنیت، انگیزه‌های چندانی به سرمایه‌داران ایرانی برای مشارکت در کارخانه‌سازی نمی‌بخشید. زین‌العابدین مراغه‌ای در کتاب «سیاحت‌نامه ابراهیم‌بیگ» در این زمینه می‌نویسد «در ایران امنیت نیست، کار نیست، نان نیست، بیچارگان چه کنند، چه حکام و چه از ظلم بیگلربیگی، داروغه و کدخدا. این ناکسان در هر کس بویی بردند که پنج شاهی پول دارد، به هزاران طریق بر او می‌تازند و حتی همسایه‌ها را در عوض گناه نکرده همسایه دیگر جریمه می‌کنند». جاده‌های ایران در این روزگار نامن بود، مأموران به رشوه‌گیری و اخذی از

کاروان‌های تجاری خو گرفته بودند. مخبرالسلطنه هدایت در کتاب «خاطرات و خطرات» وضعیت اجتماعی و اقتصادی آن دوران را چنین بیان می‌کند «روزی تجربه معلوم و مشهود است که اطمینان حاصل نمی‌شود مگر به امنیت. امنیت در بخش صنایع و توسعه کارخانه‌های مدرن همان‌طور که اجرای قوانین اسباب ترقی می‌شود، عدم امنیت نیز مایه خرابی خواهد شد، مثل اینکه نیشکر مازندران را بدون پرداخت قیمت و اجرت برنند در نتیجه زراعت نیشکر متروک شد، همچنین کاغذسازی اصفهان به علت اینکه کاغذ آن را مجاناً برای تحریر دفتر خانه می‌بردند، بسته شد». نبود امنیت بی‌شک زینتی جبران‌ناپذیر بر صنایع ایران در دوره قاجار وارد آورد، به گونه‌ای که سرمایه‌بازرگانان در زیرزمین خانه‌ها دفن می‌شد یا تاجران ایرانی در دیگر کشورها سرمایه‌گذاری می‌کردند. هزانی دالماتی، جهانگرد فرانسوی در کتاب «سفرنامه از خراسان تا بخاری» درباره احساس ناامنی سرمایه‌داران ایرانی می‌نویسد «در این دنیا امنیت نیست که به اندازه ایرانیان از نشان دادن سرمایه خود ترس داشته باشند و علت این است که ترسندمان از ترس مامورین دولتی مجبورند که سرمایه خود را مخفی کنند. آنان غالباً سرمایه خود را تبدیل به طلا یا جواهر نموده و آن را در جایی از خانه زیر خاک پنهان می‌کنند و گاهی پس از مرگ صاحب‌خانه آن گنج در همان محل دفن می‌ماند، زسرا وراثت از آن اطلاعی ندارند». آن‌گونه که محمدحسن خان اعتمادالسلطنه در کتاب «روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه» یادآور شده است حتی ناصرالدین شاه قاجار برای تأمین امنیت بازار گان و سرمایه‌داران کشور در سال ۱۳۰۵ قمری اعلام‌یه‌ای به نام «اعلان آزادی» منتشر و به موجب آن اعلام کرد همه ایرانیان در جان، مال و سرمایه‌گذاری آزادند. این کوشش‌های دولت‌اماد در اندازه شاعر و تبلیغات ماند و به علت نبود پشتوانه عملی و نظام متمرکز امنیتی، در تأمین و دست‌یابی اعتماد مردم ناکام ماند.

دستاوردهای انقلاب صنعتی در اروپا بود. مواد خام، بیش‌ترین محصول صادراتی ایران را در نیمه دوم سده نوزدهم میلادی دربر می‌گرفت؛ در برابر، محصولاتی مانند چیت، جلوار، ظرف‌های مسی و مهمات و انگلستان، قندوشکر، نفت، شمع، کالکس و سماور از روسیه، شیشه‌آلات، ظرف‌های چینی و جنس‌های ایریشمی از فرانسه، شیشه، بلور و پارچه‌های حریر از هندوستان، ادویه از سیلان، شال، نمک، پنبه کوهی و لاجورد از کشمیر، ابریشم و سرانجام قلع، سرب و آهن از چین وارد می‌شد. سندی در زمینه افزایش واردات و رواج کالاهای خارجی در ایران، همچنین بحران صنعت ابریشم‌بافی و نیاز این صنایع به حمایت دولت و تخفیف مالیاتی وجود دارد «از قرار تحقیقاتی که پیش کار مالیه خراسان نموده و به وزارت مالیه راپورت داده است، به واسطه رواج امتعه خارج چه چند سال است که در صنعت شرعبافی «شعر» مو از یک هزار و پانصد دستگاه نساجی پانصد دستگاه باقی‌مانده و آن هم رواجی ندارد و اگر دولت بخواهد دو هزار و پانصد تومار از این پانصد دستگاه

«اشاره به سروده پر آواز مولونا «آنچه شیران را کند روبه‌مراج احتیاج است احتیاج است احتیاج»